

سرمقاله

ضرورت تمرکز بانک مرکزی بر کنترل تورم

ادامه از صفحه یک: اقتصادی نیز تاثیر مستقیم و عمیقی دارند. اقتصاد جهانی در طول تاریخ خود با نمونه‌های متعددی از چنین بحران‌هایی روبه‌رو بوده و کشور-مانیز در برهه‌های مختلف تجربه‌هایی از این دست داشته است. با این حال، هر بحران ویژگی‌های خاص خود را دارد و شناخت دقیق ابعاد آن، بدون تحلیل ریشه‌ای ممکن نیست. تأثیر چنین شوک‌هایی را باید در سه مرحله بررسی کرد:مرحله مقدماتی که با شکل‌گیری فضای نااطمینانی همراه است، مرحله‌ای که بحران وارد فاز عملیاتی می‌شود، و سرانجام دوران پس از بحران که اهمیت آن کمتر از خود بحران نیست. پیش از آغاز هر درگیری، انتظارات منفی ناشی از تنش‌ها، خبرها و شایعات، زمینه‌ساز اختلال در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی می‌شود. در این دوره، فعالیت‌های اقتصادی بانوعی تعلیق همراه می‌شود:سرمایه‌گذاری‌ها به تعویق می‌افتند،تولیدکنندگان در انتظار مشخص شدن وضعیت ماندن و کسب و کارها ریسک‌گریزتر می‌شوند. همین فضای پرابهام، در عمل اقتصاد را به سمت رکود سوق می‌دهد، حتی پیش از آن‌که نخستین گلوله شلیک شود. با شروع جنگ یا بحران نظامی، اقتصاد وارد مرحله‌ای از بی‌ثباتی می‌شود که در آن نقش دولت و نهادهای سیاست‌گذار اهمیت دوچندانی می‌یابد. در این مقطع، مداخلات به‌موقع می‌توانند نقش یک ضربه‌گیر را ایفا کنند؛ مانع از هراس عمومی در بازار شوند و انتظارات را تا حدی مدیریت کنند. تجربه اخیر کشور در درگیری محدود و کوتاه‌مدت، گویای آن است که اگرچه بحران گسترده‌ای رخ نداده، اما واکنش قیام اقتصادی دولت به‌ویژه در بخش‌های پولی و ارزی، نسبت قابل قبول و موثر بود. اقدامات فوری بانک مرکزی در تثبیت نرخ ارز و کنترل جریان نقدینگی، به مهار التهابات احتمالی کمک کرد. چنین واکنش‌هایی زمانی می‌توانند اثربخش باشند که پیش‌زمینه فکری، آمادگی عملیاتی و هماهنگی نهادی پیش‌تر شکل گرفته باشند. با این حال، مهم‌ترین مرحله در چرخه مدیریت بحران، دوران پس از آن است. برخلاف تصور رایج، پایان یک درگیری نظامی به معنای پایان مشکلات اقتصادی نیست. بلکه معمولاً آغاز مجموعه‌ای از چالش‌های پیچیده‌تر و عمیق‌تر است. در این دوره، خسارات وارده، چپه‌مادی و چپه‌روانی خود را نشان می‌دهند. نهادهای اقتصادی با موجی از مطالبات و نیازها مواجه می‌شوند؛ از بازسازی زیر ساخت‌ها گرفته تا حمایت از کسب و کارهای آسیب‌دیده، جبران خسارات، و بازگرداندن اعتماد عمومی. نظام بانکی که پیش از بحران نیز با محدودیت‌های منابع و تنگنایی اعتباری روبه‌رو بوده، حالا باید پاسخگوی تقاضای فزاینده برای تسهیلات و تأمین مالی باشد. چنین شرایطی، سیاست‌گذار پولی را در برابر دوگانه‌ای سخت قرار می‌دهد: اگر منابع بیشتری به اقتصاد تزریق شود، ممکن است تورم افزایش یابد؛ اما اگر منابع کافی تخصیص نیابد، فرآیند احیای اقتصاد باکندی پیش می‌رود. در این میان، مسئله نحوه تخصیص منابع اهمیت پیدا می‌کند. آنچه ضرورت دارد، نه تزریق گسترده و غیرهدفمند منابع مالی، بلکه توزیع حساب‌شده و اثربخش آن به بخش‌هایی است که بتوانند نقش محرک در اقتصاد ایفا کنند. این نگاه نیز در میان کارشناسان و حتی مسئولان اقتصادی به‌جامعی عمومی رسیده که منابع محدود بانکی باید بر پایه سه معیار اصلی اولویت‌بندی شوند:توان افزایش تولید، ظرفیت اشتغال‌زایی و قابلیت ارزآوری، به بیان دیگر، آن دسته از بخش‌ها و کسب و کارهایی باید در اول صف حمایت‌های مالی قرار بگیرند که بتوانند با هر دو تسهیلات دریاقتی، بیشترین بازده اقتصادی را ایجاد کنند. اما چرایی چنین سیاستی مستلزم وجود یک ساختار نظارتی قوی و کارآمد است. تجربه‌های گذشته نشان داده که منابع مالی در سطوح اجرایی –به‌ویژه در استان‌ها و شهرستان‌ها – در معرض انحراف قرار دارند. تضاد منافع، نفوذ حلقه‌های غیررسمی، و نبود شفافیت در فرایند تخصیص اعتبار، همگی عواملی هستند که اثربخشی سیاست‌های حمایتی را کاهش می‌دهند.

یادداشت

نقشه‌راه مسوول برای احیای جایگاه در سوریه

ادامه از صفحه یک...سوریه دیگر فاقد مشروعبیت نیست. در این راستا تحریریه به‌تدریج برداشته شده‌اند و آمریکا و روسیه اکنون نقش مهمی در معادلات بین‌المللی بازی می‌کنند. نفت سوریه پس از ۲۰ سال بار دیگر واردبازار جهانی شده و این امر پروژه‌ای سودمند برای مصرف‌کنندگان نفت و همچنین آمریکاست؛ زیرا امکان مدیریت تعادل قیمت نفت را فراهم می‌آورد. همچنین، فرآیندهای نفتی می‌تواند موجب فعال شدن روند بازسازی در سوریه شودو با افزایش درآمذنت، شرکت‌های آمریکایی و اروپایی نیز به‌صورت غیرمستقیم در این فرآیند مشارکت خواهند داشت. روسیه اما نگاه متفاوتی دارد: به کارتی شده که بازگیران منطقه‌ای می‌توانند از آن استفاده برای مسکو مهم است و تعهد شخصی و یزما‌ی به بشار اسد یا دوران پیشین ندارد. روسیه می خواهد منفاهی که برای آن اهمیت دارد را در سوریه تأمین کند و در این میان خانواده بشار اسد و ثروت‌های آنها نیز نقش دارد و حالا این وضعیت تبدیل به کارتی شده که بازگیران منطقه‌ای می‌توانند از آن استفاده میکنند. قوانین اساسی بتواند سوریه را متحدو یکپارچه حفظ کند. با این تقاضای بر این‌ست که روسیه خواهان بازگشت منافع گذشته‌اش در سوریه (مثلاًحفظ پایگاه‌ها و حضور راهبردی) است؛ زیرا زشامات هموار قلب تپنده منطقه بوده و از دوران بیزانس تا امروز دمشق نقش آفرین باقی مانده است. از این‌رو روسیه با استراتژی و سیاست جدیدی تلاش می‌کند روابط با دولت دمشق را گسترش دهد و نفوذ خود را در منطقه تحکیم ببخشد. در سوی دیگر، دولت سوریه نیز می‌کوشد از ایجاد نامتی توسط هواداران یا وابستان حکومت گذشته جلوگیری کند؛ زیرا رهنه‌های انامنی برای دولت فعلی بسیار بالا است و این دولت توان مقابله با یک جنگ چندجانبه را ندارد و نیاز به آرامش دارد.

ضرورت اجرای صحیح کالابرگ برای افزایش قدرت خرید مردم



روش دیگری مدنظر است، باید سریعا از سوی دستگاه‌های مسئول اجرایی شود تا قشر مستضعف و صاحبان اصلی این انقلاب، احساس نکنند که ما فقط حرف می‌زنیم

سرمقاله

سالار ولایت مدار نماینده مردم قزوین، آیبک و البرز در مجلس با اشاره به شرایط اقتصادی در کشور و کاهش قدرت خرید مردم، گفت: سران قوا در جلسات متعدد در مورد معیشت صحبت می کنند و تأکید دارند بنابراین انجام این مهم، باید در عمل مشهود شود. نماینده مردم قزوین، آیبک و البرز در مجلس اظهار کرد: در واقع وقتی مردم به بازار مراجعه می کنند باید بتوانند قوت مورد نیاز خودشان را تهیه کنند اما اکنون اینطور نیست و توانایی خرید محصولات مصرفی خانوار کاهش یافته است، وی تصریح کرد: بر این اساس اگر مولفه کالابرگ یا هر

اصلی این انقلاب، احساس نکنند که ما فقط حرف می‌زنیم

«تجارت» به معایب پیش فروش سکه توسط بانک مر کزی می‌پردازد؛

حراج ذخایر استراتژیک طلا



پیش فروش سکه نشان می‌دهد که کاهش قیمت بسیار موقتی بوده است. پس از چند هفته یا در نهایت چند ماه، بازار مجدداً روند صعودی خود را در پیش گرفته و نه تنها قیمت‌ها به سطح قبل بازگشته‌اند، بلکه حتی به سطوح بالاتری نیز رسیده‌اند. این موضوع، فرضیه‌ی کنترل پایدار بازار از طریق عرضه‌ی آتی را زیر سوال می‌برد. در واقع، سیاست پیش‌فروش سکه مانند یک مسکن موقت عمل کرده است که صرفاً زمان خرید تا بازار دوباره داغ شود. اما شاید مهم‌ترین نقد به این سیاست از منظر عدالت اقتصادی و اجتماعی باشد. در تمامی دوره‌های پیش فروش، افراد معدودی موفق شده‌اند با استفاده از منابع مالی فراوان و بعضاً با بهره‌گیری از اطلاعات غیررسمی، حجم عظیمی از سکه‌ها را خریداری کنند. در مقابل، عموم مردم، یا اساساً امکان مشارکت در این طرح‌ها را نداشته‌اند، یا سهم اندکی نصیبشان شده است. در برخی موارد گزارش‌هایی منتشر شد مبنی بر اینکه تعدادی از افراد خاص تا ۱۰۰ هزار سکه یا بیشتر ثبت‌نام کرده‌اند. چنین آماری این سوال جدی را مطرح می‌کند که آیا این افراد دسترسی به رانت اطلاعاتی داشته‌اند؟ یا این که مکانیزم توزیع سکه از ابتدا به گونه‌ای طراحی شده بود که با نفع عده‌ای خاص عمل کند؟ در نبود شفافیت در معرفی خریداران عمده، پاسخ این سوالات همچنان در حاله‌ای از ابهام باقی مانده است. از سوی دیگر، اثرات تورمی این سیاست در بلندمدت را نباید نادیده گرفت. هرچند ممکن است در برخی گزارش‌های رسمی، کاهش پایه پولی به عنوان نتیجه‌ی موفقیت‌آمیز این سیاست ذکر شده باشد، اما واقعیت این است که کاهش پایه پولی زمانی معنا دارد که با کاهش پایدار تورم و کنترل نقدینگی همراه باشد. در حالی

ارز هجوم می‌برد؛ دوم، مهار قیمت طلا با افزایش عرضه‌ی آتی و سوم، کاهش فشار بر پایه پولی از طریق جمع‌آوری نقدینگی و تحویل دارایی فیزیکی (سکه) در آینده اما در عمل، آنچه رخ داد، بیشتر شبیه به یک عقب‌نشینی تاکتیکی بود تا یک سیاست اقتصادی منادار و پایدار. سیاستی که نه از دل برنامه‌ریزی کلان و بلندمدت اقتصادی، بلکه از دل اضطرار و ناچاری برآمد و بیش از آنکه گره‌گشا باشد، نشانه‌ای از فقر سیاست‌گذاری ساختاری بود.

چه ایراداتی به طرح پیش فروش سکه طلا وارد است؟

پیش فروش سکه در عمل باسه ایراد عمده روبه‌رو شد که نتایج آن نه تنها به حل بحران کمکی نکرد، بلکه ریشه‌های آن را ژرف‌تر کرد. نخستین و مهم‌ترین ایراد، مربوط به ماهیت مبادله‌ای این سیاست بود. بانک مرکزی در ازای دریافت ریال – که واحد پولی است که در شرایط تورمی هر روز ارزشش کاهش می‌یابد – اقدام به فروش یکی از ارزشمندترین دارایی‌های استراتژیک خود یعنی طلا کرد. به بیان دیگر، دارایی‌ای که نقش پشت‌توان پول ملی را دارد، به پولی فروخته شد که خود در حال فرسایش بود. این معادله، از اساس نامتوازن و به زیان اقتصاد ملی بود. هرچند در کوتاه‌مدت ممکن بود تأثیر مثبتی بر کاهش نقدینگی بگذارد، اما در بلندمدت به تضعیف پایه پولی واقعی و کاهش ذخایر استراتژیک کشور منجر شد؛ اتفاقی که می‌تواند عواقب جدی‌تری در دوران بحران به همراه داشته باشد. نکته دوم، به موقتی بودن اثر این سیاست بازمی‌گردد. بررسی روند بازار طلا در سال‌های اجرای

سرمقاله

گروه اقتصاد کلان: محمد لاهوتی در گفتگو با خبرنگار اقتصادی ایرنا درباره عملکرد مرکز مبادله ایران در تأمین ارز واردکنندگان و نیز راه اندازی تالار دوم ارز در این مرکز اظهار داشت: قرار بود بازار ارز تجاری در دو تالار مدیریت شود که تالار اول بدون نرخ دستوری واردکنندگان مشمول در بند یک را پوشش دهد و تالار ۲ توافقی برای امثال و عوام ارز و رفع تعهد ارزی صادرکنندگان خرد و متوسط باشد. لاهوتی افزود: به یک باره بعد از راه اندازی این مرکز، ۲ تالار به طور کامل از نیما افزایشی شد و به حدود ۶۲ هزار تومان رسید و تالار دوم هم که آن موقع نرخ ارز توافقی را انجام می‌داد، حدود ۸۰ هزار تومان بود به نرخ ارز ۷۰ تومانی کاهش یافت. وی ادامه داد: این اقدام‌ها در راستای یکی کردن بازارها و یک نرخ‌ری کردن ارز انجام شد اما بار دیگر شاهد آن بودیم که نرخ دستوری در بازار ارز حاکم شد و از آن به بعد هم مشمولان ۲ و صادرکنندگان کوچک و متوسط به دلیل اینکه نرخ ارز دستوری بود، امکان مبادله و رفع تعهد ارزی را نداشتند. رئیس کنفدراسیون صادرات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران با اشاره به اینکه صادرکنندگان خرد و متوسط در این تالار امکان رفع تعهد ارزی نداشتند، گفت: با شروع کار این مرکز چندین بار جلسه با متولیان برگزار کرده و اعلام کردیم که این فروش درستی نیست و محکوم به شکست خواهد بود چرا که امکان رفع تعهد ارزی از صادرکنندگان مشمول بند ۲ سلب شده است، لاهوتی تأکید کرد: بعد از گذشت ۹ ماه که صادرکنندگان بند ۲ امکان رفع تعهد ارزی نداشتند و به ناچار مجبور بودند به فعالیت خودشان را تعطیل یا از روش دیگری صادرات را انجام بدهند، از حدود یک ماه پیش تالار دوم را باز دیگر راه اندازی شد و بانک مرکزی به مشمولان بند ۲ اجازه داد که در این بخش فعالیت کنند. همچنین به واردکنندگان

عملکرد ضعیف بانک‌ها در پرداخت تسهیلات اشتغال



وحید احمدی نماینده مردم کنگاور در مجلس شورای اسلامی با اشاره به اهمیت وام اشتغال گفت: یکی از رویکردهای اصلی و کلیدی در زمینه اشتغال‌زایی برای محرومین و اقشاری که به منابع مالی مناسبی دسترسی ندارند، موضوع مربوط به تسهیلات اشتغال است که در قالب تبصره مرتبط با تعیین تسهیلات بانکی در قانون بودجه سننوتای به این موضوع اشاره می‌شود. در سال جاری متأسفانه عملکرد شبکه بانکی مناسب نبوده است. این نماینده مجلس خاطر نشان کرد: در تبصره تسهیلات بانکی قانون بودجه سال جاری وام اشتغال در نظر گرفته شده است و اعطای آن توسط بانک‌ها ضرورت دارد. در شرایط فعلی که با کمبود منابع مالی برای تولید روبه‌رو هستیم و قصد داریم تولید و اقتصاد کشور را رونق ببخشیم، باید با رویکرد تعاملی حداکثری، بانک‌ها این مبالغ در اختیار جامعه هدف قرار بدهند و عدم پرداخت وام اشتغال موضوعی بسیار منفی است. وی خاطر نشان کرد: وقتی کسب و کارها مشخص شود و مبالغ در همان بخش به کار بیفتند، از یک طرف به توانمندسازی مددجویان می‌پردازیم و بر ایشان شغل پایداری ایجاد می‌شود.

سرمقاله